

بسم الله الرحمن الرحيم

«تأثیر سیاست گذاری مذهبی صفویان بر گسترش تشیع در ایران»

فاطمه وحیدیان^۱

چکیده

مهمترین دورانی که بتواند سرمنشأ تحولات فرهنگی و دینی در ایران به حساب آید، زمان پیدایش صفویه است. صفویه نخستین دولت متمرکز شیعی ۱۲ امامی است که مبنای حکومت خود را ترویج و دفاع از مذهب تشیع قرار داده است. اما نویسندگان غربی، دوره صفوی را به دلیل مذهبی بودن آن مورد سرزنش قرار دادند. آنها به ویژه به دلیل اعتنای دولت صفوی به فقه و مقابله با جریانات صوفیه سخت با آن دشمنی می‌کنند. نوع دیگر دشمنی با صفویه از سوی برخی از روشنفکران مذهبی معاصر است. یکی از دلایل این حمله مسائل مذهبی و نوع تلقی از مذهب و آداب و رسوم مذهبی، عنوان شده است. در این نگرش، انتقاد اصلی آن است که صفویه گونه خاصی از تشیع را رواج داده‌اند که با تشیع اصیل فاصله گرفته است. این دیدگاه در درجه اول توسط دکتر شریعتی، در کتاب «تشیع علوی و صفوی» تشریح شد. لازم است که دوره صفوی بدون حب و بغض مورد ارزیابی مجدد قرار گرفته و جنبه‌های مثبت و منفی آن بازشناسی شود. این دوره از هر حیث، به ویژه از لحاظ مذهبی برای ایران اهمیت فراوان دارد؛ متأسفانه آنان که ناشیانه با تاریخ برخورد می‌کنند، همیشه برای اثبات دیدگاه‌های خود شواهد اندکی به دست آورده و ناآشنایان با تاریخ و روش فهم تاریخ را گرفتار مشکل می‌کنند. بنابراین ارائه چهره‌ای روشن و واقعی از گذشته ایران و خصوصاً دوران تأثیرگذار صفوی بر مسائل فرهنگی و سیاسی لازم می‌آید؛ چرا که تأثیر دوره صفوی در دوره‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم به دلیل نقاط اشتراک فراوان با فرهنگ دینی مذهبی ما، بیشتر باید مورد توجه قرار بگیرد. این مقاله توصیفی و از نوع تحلیل محتواست و ساختار آن به بررسی تأثیر سیاست‌گذاری‌های مذهبی صفویان بر گسترش تشیع در ایران، از جمله تبلیغات دینی، ترویج مذهب شیعه در دربار و مناطق مختلف، ایجاد شبکه‌های روحانی و آموزشی و تأسیس نهادهای مذهبی پرداخته است.

کلید واژه‌ها: صفویان، سیاست گذاری مذهبی، تشیع، ایران

^۱ - طلبه سطح ۲ مرکز آموزش عالی الزهراء (سلام الله علیها)، دزفول vahidifat66@gmail.com

مقدمه

هنگامی که دولت صفویه، در حدود سال ۲۴۰ هجری قمری، زمام حکومت ایران را به دست گرفت، اندیشه سیاسی شیعه وارد مرحله نوینی از حیات خود شد و جامعه ایران که از خلافت‌های سنی مذهب گذشته و مبارزه با آنان به تنگ آمده بودند، شاهد تأسیس سلسله‌ای بودند که خود را از نوادگان امام موسی بن جعفر (علیه السلام) و پیرو مذهب شیعه می‌خواندند. رسمیت بخشیدن شاه اسماعیل، بنیانگذار سلسله صفوی، به مذهب تشیع و پای فشاری وی بر لزوم اجرای مبانی فقه جعفری، موجب شد تا تعامل و همکاری نهادهای دینی و دولتی روز به روز افزون‌تر شده و فصل جدیدی از رابطه سیاست و دیانت در اندیشه شیعه رقم زده شود. بنابراین صفویان توانستند با حمایت علماء و مردم در برابر خلافت‌های عثمانی ایستادگی کرده و مانع از ادغام ایران در امپراتوری عثمانی شوند؛ و شیعه پایگاهی قدرتمند یافت و ایران در سایه هویت مذهبی، ثبات و وحدت از دست رفته خود را بازیافت. در زمینه تأثیر سیاست‌گذاری مذهبی صفویان بر گسترش تشیع در ایران، پژوهش‌های متعددی انجام شده است که برخی از آنها به شرح زیر می‌باشند:

«ریچارد نلسون فراست»، مورخ و پژوهشگر، در کتاب «تاریخ ایران در دوران صفوی»، به اهمیت تحول مذهبی در دوران صفوی پرداخته و این دوران را به عنوان دوره‌ای می‌داند که تشیع به عنوان مذهب رسمی در ایران تثبیت شد. به گفته وی، سیاست‌های شاه اسماعیل صفوی در تحمیل تشیع به مردم ایران، به‌ویژه در نواحی مرکزی و شرقی، نقش مهمی داشت.

«محمود ابراهیمی» در مقاله‌ای تحت عنوان «سیاست‌های مذهبی شاه اسماعیل و تأثیر آن بر گسترش تشیع»، به تحلیل دقیق‌تر اقدامات شاه اسماعیل در زمینه تبدیل ایران به یک کشور شیعه پرداخته شده است.

«آیت‌الله شریعتمداری» در کتاب «تحلیل تطور علمی و دینی ایران در دوره صفوی»، به تأسیس مدارس مذهبی و سازمان‌دهی نظام دینی جدید در دوره صفوی اشاره دارد. این پژوهش‌ها بیان می‌کنند که صفویان به تقویت موقعیت علما و روحانیون شیعه و تأسیس مدارس مذهبی جدید در شهرهای مختلف ایران پرداخته‌اند که موجب گسترش تشیع و تثبیت آن در جامعه شد.

در برخی از پژوهش‌ها، نقدهایی نیز به این سیاست‌های مذهبی وارد شده است. پژوهشگرانی چون «صادق لاریجانی» در مقاله‌ای به نقد سیاست‌های مذهبی صفویان و پیامدهای آن در طولانی‌مدت پرداخته‌اند. به اعتقاد وی، این سیاست‌ها با وجود اینکه در کوتاه‌مدت گسترش تشیع را ممکن ساخت، اما در بلندمدت باعث تفرقه‌های دینی و اجتماعی در برخی مناطق ایران شد.

«عبدالحسین زرین‌کوب» در مقاله ای تحت عنوان «تشیع و سیاست در دوره صفوی»، به بررسی چگونگی استفاده از مذهب شیعه به عنوان ابزاری برای تثبیت حکومت صفویان در ایران پرداخته و نقش آن در تحولات تاریخی ایران را مورد تحلیل قرار می‌دهد.

«محمود افشار یزدی» در پژوهشی با عنوان «تاریخ سیاسی صفویان و تشیع در ایران»، به بررسی سیاست‌های مذهبی صفویان در گسترش تشیع در ایران و تأثیر این سیاست‌ها بر ساختار اجتماعی و فرهنگی ایران در آن دوره می‌پردازد.

در مقاله ای با عنوان «سیاست مذهبی صفویان و تحول شیعه در ایران» نوشته «حسین عمید زنجانی»، نقش حکومت صفوی در تغییرات مذهبی ایران و ارتقاء تشیع به عنوان مذهب رسمی کشور، مورد بررسی قرار گرفته است.

محقق سعی دارد در این نوشتار با مراجعه به کتب تاریخی و مطالعه آنها، به بررسی نقش دولت صفویه و اهمیت آن در احیاء و گسترش مذهب تشیع در ایران پرداخته و در واقع به صورت جامع به این سؤال پاسخ دهد که: «سیاست‌گذاری‌های مذهبی صفویه چه تأثیری در گسترش تشیع در ایران داشته است؟»

(۱) صفویان: منسوب به صفی الدین اردبیلی، هر یک از افراد خاندان صفی الدین اردبیلی.^۱

یکی از فرق تصوّف ایرانی که سلسله آن به شیخ صفی الدین اردبیلی منتهی می‌شود.^۲

سلسله (دولت) صفوی، سلسله‌ای است که در ایران از سال ۹۰۷ هجری قمری سلطنت کرده و ظهور آن در ایران از چند جهت واجد اهمیت است که مهم‌ترین آنها مسئله وحدت ملی ایرانیان و رسمی شدن مذهب تشیع است. مؤسس این سلسله، شاه اسماعیل است که توانست اساس وحدت ملی را بر پایه محکم (مذهب) بنا گذارد. نسب صفویان به ابوالفضل اسحاق بن امین الدین جبرائیل (شیخ صفی الدین) می‌رسد که عارفی معروف بوده و سلاطین صفوی از اخلاف اویند.^۳

(۲) تشیع: در لغت به معنای پیروی کردن، متابعت نمودن، شیعه شدن و مقابل تسنن است.^۴

اما در مورد معنای اصطلاحی آن می‌توان گفت که تشیع، یک مذهب خاص و مشخص و محدود است که در طی قرون و اعصار همچنان اصالت خود را حفظ کرده و از مسیر اصول اساسی خود بیرون نرفته است؛ لذا در قبال فرقه‌های ضالّه و گمراه موضع مشخصی دارد.

تشیّع یعنی اعتقاد به اینکه ولایت و امامت، مانند نبوت یک منسب الهی است و امامت و ولایت بعد از پیامبر (ص) منحصر به دوازده نفر است که از طرف خداوند با نام و نشان تعیین شده‌اند.^۵

در کتاب «موضع تشیع در برابر تصوف در طول تاریخ» به نقل از کتاب «التبصیر فی الدین» شیخ مفید آمده است: «تشیّع عبارت است از ایمان و اعتقاد به اینکه علی (ع)، امام همه مسلمانان است، بنابر وصیت پیامبر (ص)، به اراده خداوند و به طریق نص، چنانچه شیعه امامیه اعتقاد دارند و یا به طریق وصف، چنانچه فرقه جارودیه و زیدیه معتقدند».^۶

۱- فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۱۴۹۶

۲- فرهنگ فارسی معین، ج ۵ (اعلام)، ص ۴۵۳۵

۳- همان

۴- فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۸۰۱

۵- موضع تشیع در برابر تصوف در طول تاریخ، داوود الهامی، ص ۲ تا ۵

۶- همان، ص ۱۳

۳) سیاست گذاری مذهبی: سیاست مذهبی عنوانی است که اهمیت بسیار زیادی در تاریخ ایران و به خصوص تاریخ سیاسی ایران داشته و تعیین کننده برخی از سیاست‌ها در عرصه سیاست داخلی و سیاست خارجی بوده است. سیاست گذاری های مذهبی، در دوره‌ها و پادشاهی‌های مختلف دارای شدت و ضعف بوده و ماهیت متفاوتی داشته است. این سیاست‌ها در جامعه ایرانی، نقش اساسی را در کسب مشروعیت برای پادشاهان، بقای یک رژیم، تاثیرگذاری علما و روحانیون و حتی رابطه با کشورهای خارجی، بازی می‌کند. می‌توان اساس سیاست‌های مذهبی در ایران را به طور کلی بر سه پایه مذاهب زرتشتی، اسلام سنی و شیعی تقسیم بندی کرد.^۱

۴- جایگزینی مذهب تشیع به جای مذهب تسنن به عنوان مذهب رسمی کشور

خصیصه مهم سده چهارم هجری، از حیث جریان‌های مذهبی، رشد و گسترش تشیع و فرقه‌های متعدد آن بود. شیعیان در پرورش خاص مذهب خود می‌کوشیدند. این تلاش‌ها گاه جلوه‌های اجتماعی ویژه‌ای پیدا می‌کرد که مناقب خوانی از آن جمله بود. شماری از شیعیان در کوچه و بازار راه می‌افتادند و با صدای خوش و بلند ابیاتی را در منقبت و مدح اهل بیت (ع) می‌خواندند؛ این کار می‌توانست مردم دوست‌دار اهل بیت (ع) را به سوی شیعیان متمایل سازد. شیعیان با این کار می‌خواستند در جامعه آن روزگار، که اکثریت آن از اهل سنت بود، مذهب و اعتقادات خود را به اثبات برسانند و افرادی را به سوی خود جلب نمایند.^۲ البته مناقب خوانان همواره در معرض ضرب و شتم بودند مخصوصاً که بعضی از آنها خطر را به جان خریده و در مجالس و بازارهای اهل سنت به مناقب خوانی پرداختند و در نتیجه دچار رنج و تعب نیز می‌شدند.^۳

حرکت صفویه، حرکت صوفی‌گرایانه بود؛ اما به خاطر جو موجود و یا زمینه مساعد، با برخورداری از افکار برخی از علمای شیعه، حکومت را شیعه اعلان کردند و از علما و بزرگان شیعه نیز دعوت به همکاری نموده و دست آنان را در امور کشوری، فرهنگی، دینی و حتی سیاسی باز گذاشتند.

ممکن است حکومت صوفی‌گرایی دولت صفویه، برای تحکیم و مشروعیت سلطنت خود از وجهه علمای شیعه بهره مند شده باشد، ولی علمای شیعه با توجه به مظلومیت تاریخی، طرد و تبعید و انزوای سیاسی و مذهبی،

^۱ - سایت سیویلیکا، ۲۸ تیر ۱۴۰۲، علی رضایی - علی ایلخانی پور

^۲ - کتاب نقض، عبدالجلیل قزوینی رازی، ص ۷۷

^۳ - همان، ص ۱۰۸

معرفی کرد و شور و هیجان شیعیان را با برپایی مجالس ویژه اهل بیت(ع) حفظ نمود؛ به گونه‌ای که شاه اسماعیل صفوی، روز عاشورا، مجلس عزایی منعقد می‌کرد و یکی از وعاظ، کتاب «روضه الشهداء»ی کاشفی را بر منبر می‌خواند.^۱

همچنین در بخش دیگری از این مقاله آمده است: «ترویج شعائر دینی در این دوره، تأثیرات عمیقی بر فرهنگ ایرانی داشت. به ویژه در زمینه هنر، معماری، و ادبیات، صفویان از مذهب شیعه به عنوان منبع الهام برای خلق آثار فرهنگی بهره بردند. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این تأثیرات، معماری مساجد و اماکن مذهبی بود. شاهان صفوی با ساخت و تزیین مساجد بزرگ مانند مسجد شاه اصفهان و مسجد جامع شیراز، نه تنها به زیبایی‌های مذهبی بلکه به تقویت جایگاه دینی و مذهبی در فرهنگ ایرانی پرداختند. این مساجد و بناها به عنوان نمادهایی از اقتدار صفویان و باورهای مذهبی شیعه عمل می‌کردند و نقش مهمی در تعریف فضای فرهنگی ایران ایفا کردند.»^۲

در عرصه ادبیات، شاعران و نویسندگان ایرانی در دوران صفوی به ترویج مفاهیم مذهبی و دینی پرداختند. آثار ادبی مانند اشعار عرفانی و مذهبی که به امام حسین (ع) و دیگر امامان شیعه پرداخته، در این دوره به شدت محبوب شدند. این آثار نه تنها باعث تقویت هویت مذهبی مردم ایران شدند، بلکه بر تعاملات فرهنگی میان ایران و دیگر کشورهای مسلمان نیز تأثیر گذاشتند.

۱۰- ایجاد نهادهای مذهبی

در مجله «تاریخ اسلام» ذیل مقاله‌ای با عنوان «نهادهای مذهبی در دوران صفوی» نوشته «علی حسن‌زاده» آمده است: «ایجاد نهادهای مذهبی در این دوران نقش مهمی در تثبیت قدرت دولت و گسترش مذهب شیعه در ایران ایفا کرد. شاهان صفوی به‌ویژه شاه اسماعیل صفوی و شاه عباس اول، از تشکیلات مذهبی به‌عنوان ابزاری برای انسجام سیاسی و اجتماعی استفاده کردند و در این مسیر به تأسیس نهادهایی مانند حوزه‌های علمیه، مساجد و دربار مذهبی دست زدند.»^۳

تأسیس حوزه‌های علمیه: یکی از اقدامات مهم شاهان صفوی در ایجاد نهادهای مذهبی، تأسیس حوزه‌های علمیه و مدارس دینی بود. حوزه‌های علمیه در دوران صفوی به‌عنوان مراکز آموزشی و مذهبی، نقش بسیار زیادی در ترویج مذهب شیعه داشتند. شاه اسماعیل صفوی با توجه به پیروزی‌های نظامی و سلطنتش، به‌طور ویژه بر

^۱ - فصلنامه علمی پژوهشی شیعه‌شناسی، شماره ۴۵، فروردین ۱۳۹۳، ص ۶۶ تا ۱۰۷

^۲ - همان

^۳ - مجله تاریخ اسلام، شماره ۳، تیرماه ۱۳۸۹

روی ایجاد نهادهای مذهبی تمرکز داشت تا شیعه دوازده‌امامی را به‌عنوان مذهب رسمی در ایران معرفی کند. این امر به‌ویژه در مبارزات مذهبی و فرهنگی با سنیان و دیگر اقلیت‌های مذهبی مؤثر بود.

شاه عباس اول، که در دوره‌ی او قدرت صفوی به اوج خود رسید، نیز نقش مهمی در توسعه نهادهای مذهبی ایفا کرد. شاه عباس با حمایت از علمای شیعه و تأسیس مدارس مذهبی، سعی کرد درون‌مایه‌های مذهبی را در زندگی اجتماعی ایرانیان تقویت کند. به‌ویژه در اصفهان، که به‌عنوان پایتخت صفوی‌ها تبدیل شده بود، مساجد و مدارس دینی زیادی تأسیس شد. این مدارس نه تنها محلی برای آموزش مذهبی بودند، بلکه بسیاری از آن‌ها به‌عنوان مراکز علمی و فرهنگی نیز عمل می‌کردند.

تأسیس و تقویت مساجد و حسینیه‌ها: در کنار مدارس مذهبی، مساجد نیز به‌عنوان مراکز مهم مذهبی در دوره صفوی نقش اساسی داشتند. شاه عباس اول و دیگر شاهان صفوی توجه ویژه‌ای به ساخت و بازسازی مساجد داشتند. این مساجد نه تنها برای عبادت بلکه برای فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی نیز استفاده می‌شدند. نمونه بارز این مساجد، مسجد امام در اصفهان است که به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و زیباترین مساجد جهان اسلام شناخته می‌شود. مساجد و حسینیه‌ها، در دولت صفوی به‌عنوان محل‌هایی برای تجمع مردم و انجام فعالیت‌های مذهبی و سیاسی و برگزاری مراسمات عزاداری اهل بیت (ع) عمل می‌کردند. همچنین، این نهادها در ترویج و تبلیغ عقاید شیعه نقش بسیار مهمی داشتند. در واقع، صفوی‌ها از مساجد و حسینیه‌ها به‌عنوان ابزاری برای متحد کردن مردم و گسترش مذهب شیعه استفاده کردند.^۱

نهاد ولایت فقیه: یکی از دستاوردهای مهم صفویان به‌ویژه در زمان شاه عباس اول که روابط نزدیکی میان دربار و علما برقرار بود، تأسیس سیستم «ولایت فقیه» بود که در آن روحانیون نقش مهمی در مسائل حکومتی و اجرایی داشتند. این سیستم با هدف تقویت نظارت مذهبی بر جامعه و ایجاد همبستگی میان دین و سیاست طراحی شد.

تأسیس نهادهای قضائی مذهبی: در کنار سایر نهادهای مذهبی، نهادهای قضائی مذهبی نیز در دوران صفوی به‌ویژه در حوزه‌های شرعی اهمیت ویژه‌ای داشتند. قاضی‌های شرعی که به‌عنوان مقامات قضائی مذهبی عمل می‌کردند، در حل و فصل دعاوی حقوقی و اختلافات مذهبی نقش داشتند. این نهادها به‌ویژه در موارد مربوط به امور ارث، ازدواج و طلاق و همچنین در مسائل مرتبط با فقه اسلامی عمل می‌کردند. تأمین عدالت در جامعه و تقویت مبانی مذهبی در زندگی اجتماعی از دیگر کارکرد های این نهادها بود. شاهان صفوی با تقویت این نهادها توانستند کنترل و نظارت مذهبی بیشتری بر جامعه داشته باشند.

^۱- همان

مقام رهبری مذهبی: صفویان با حمایت از علما و فقهای شیعه مقام رهبری مذهبی را به عنوان یک نهاد قدرتمند تثبیت کردند. ن مقام با توجه به نقش مهمی که در تفسیر دین و اداره امور شرعی داشت به عنوان یکی از پایه‌های اصلی حکومت صفوی تلقی می‌شد.^۱

۱-۱۰ اهمیت نهادهای مذهبی

این نهادها به عنوان یک پایه اصلی برای تثبیت حکومت صفوی عمل کردند و زمینه را برای کسب مشروعیت دینی و سیاسی فراهم کردند. این نهادها به علاوه نقش مهمی در گسترش شیعه‌گری در ایران و سایر مناطق جهان داشتند همچنین به عنوان یک عامل مهم در شکل‌گیری هویت ملی ایرانی عمل کردند و زمینه را برای تقویت وحدت و ارتباط بین مردم و علما فراهم کردند.

^۱ - همان

نتیجه‌گیری

در بررسی «تأثیر سیاست‌گذاری‌های مذهبی صفویان بر گسترش تشیع در ایران»، می‌توان گفت که این دوره نقطه عطفی در تاریخ ایران است. شاهان صفوی با اتخاذ سیاست‌های مدبرانه، تشیع را به عنوان مذهب رسمی کشور معرفی کردند و با استفاده از ابزارهای مختلفی چون تبلیغات مذهبی، اقدامات فرهنگی و تثبیت قدرت سیاسی، توانستند این مذهب را در سطوح گسترده‌ای در جامعه ایرانی گسترش دهند.

یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های سیاست‌های مذهبی صفویان، تبدیل مذهب تشیع به هویت ملی ایران بود. با این اقدام، تشیع نه تنها به عنوان یک مذهب دینی، بلکه به عنوان بخشی از هویت فرهنگی و سیاسی ایران شناخته شد. شاهان صفوی با حمایت از علما و روحانیون شیعه، موجب تقویت نهادهای مذهبی و دینی در جامعه شدند و زمینه‌ساز تغییرات فرهنگی بزرگی شدند که تا قرن‌ها در ایران باقی ماند.

علاوه بر این، اقدامات صفویان در ارتباط با گسترش تشیع در ایران نه تنها به تثبیت قدرت سیاسی آنان کمک کرد، بلکه موجب شد تا ایران در برابر نفوذ و فشارهای خارجی، به ویژه از سوی عثمانی‌ها و امپراتوری‌های غربی، مقاومت بیشتری از خود نشان دهد. در حقیقت، تشیع به عنوان یک عنصر مذهبی و سیاسی در برابر تهدیدات خارجی، به ابزاری برای متحدسازی مردم و تثبیت هویت ایرانی تبدیل شد.

با این حال، سیاست‌گذاری‌های مذهبی صفویان نیز بدون چالش نبود. در برخی از مناطق، این سیاست‌ها با مقاومت‌های اجتماعی و سیاسی مواجه شد که نشان‌دهنده پیچیدگی‌های فرآیند تغییرات مذهبی در جوامع مختلف بود. همچنین، تأثیرات این سیاست‌ها در بلندمدت نیز موجب شکل‌گیری تضادهای مذهبی و فرهنگی شد که در دوران‌های بعدی، به ویژه در دوران قاجار و پهلوی، همچنان ادامه داشت.

بنابراین سیاست‌های مذهبی صفویان، نه تنها یک تغییر مذهبی، بلکه یک تغییر بنیادین در ساختار اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران بود. این تغییرات، هویت مذهبی ایران را به شکلی جدید تعریف کرد و نقش برجسته‌ای در تحولات بعدی تاریخ ایران ایفا نمود. این سیاست‌ها الگویی برای ارتباط دین و سیاست در ایران شد که آثار آن تا به امروز در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران مشهود است.

۱. آژند، یعقوب، تاریخ ایران دوره صفویان، چاپ اول، ۱۳۸۰
۲. منشی، اسکندربیگ، سرگذشت شاه عباس اول
۳. فصلنامه علمی پژوهشی شیعه شناسی، شماره ۴۵، فروردین ۱۳۹۳
۴. مجله تاریخ اسلام، شماره ۳، تیر ماه ۱۳۸۹
۵. الهامی، داوود، موضع تشیع در برابر تصوف در طول تاریخ، قم، انتشارات مکتب اسلام، چاپ اول، ۱۳۷۶
۶. جعفریان، رسول، مقالات تاریخی، ج ۴، قم، انتشارات دلیل، چاپ اول، ۱۳۷۹
۷. حصاری، علی اکبر، تاریخ فرهنگ سیاسی معاصر، قم، مرکز نشر هاجر(وابسته به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران)، چاپ چهارم، ۱۳۷۸
۸. طاهری، ابوالقاسم، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران، چاپ بی جا، ۱۳۴۹
۹. قزوینی رازی، عبدالجلیل، کتاب نقض(تصحیح میرجلال محدث)، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸
۱۰. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ج ۱، تهران، انتشارات نامن، چاپ دوم، ۱۳۸۶
۱۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ج ۲، تهران، انتشارات نامن، چاپ دوم، ۱۳۸۶
۱۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ج ۵(اعلام)، تهران، انتشارات نامن، چاپ دوم، ۱۳۸۶
۱۳. سایت سیویلیکا <http://www.google.com>
۱۴. سایت ویکی فقه <https://fa.wikifeqh.ir>